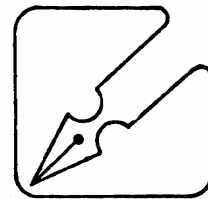


رازی، افتخار و الگوی ما



سرمقاله

اعتلای علمی ایران قرار گیرند . این روش برخلاف نظر بعضی از نویسندگان غربی از جمله برتولت برشت که قهرمان گرائی را صحیح ندانسته و ملتی را که نیازمند قهرمان است بیچاره میدانند ، باعث میشود ویژگیهای برازنده^۱ یک فرد که با افراد معمولی متفاوت است و استعدادها و نبوغ و پشتکار فوق العاده‌ای دارد هرچه بیشتر به نمایش گذاشته شود و دیگران از این ویژگیها درس گرفته و باعث رشد و تعالی خود گردند .

خصلت قهرمان پروری و به عبارت دیگر احترام

از سنتهای حسنه‌ای که در فرهنگ اسلامی ایرانیان جا افتاده و همیشه به کار گرفته شده ، تکریم و بزرگداشت بزرگانی است که خدمات علمی گوناگونی به این مرز و بوم ارائه داده و باعث رشد علم و عظمت جامعه اسلامی ایران در جهان گشته‌اند . این سنت که از فطرت انسانی برمی‌خیزد با تعلیمات عالیله اسلامی ممزوج گشته و در فرهنگ ایران وارد شده و باعث گردیده دانشمندان علم و ادب و دین در این کشور از موقعیت خاصی برخوردار باشند و الگوی جوانان دانش پژوه و همه^۲ عاشقان رشد و

به قهرمان نیز یک خصلت فطری است، زیرا انسان در مقابل انجام کاری که قدرت انجام آن را ندارد سر تعظیم فرود می‌آورد و به همین دلیل در مقابل عالمی که دریای علم است ناخودآگاه تعظیم می‌کند و در مقابل عارفی که سالهای سال به عبادت پرداخته و شبهای طولانی را به بیداری گذرانیده احساس کوچکی می‌کند و ایثارگری را که برای دسترسی به اهدافش از جان خود می‌گذرد تکریم می‌نماید. همین خصوصیت انسان است که باعث می‌شود به دنبال تحصیل علم برود و به مدارج عالی علمی دست یابد و به دنبال کسانی باشد که زمانی برای او الگو بوده‌اند و اصولاً "همین ویژگی است که باعث می‌شود انسان در جنبه‌های مختلف رشد و تکامل یابد.

در میان دانشمندان ایران ابوبکر محمدبن زکریای رازی یکی از بزرگترین نوابع و افتخارات است که در رشته‌های مختلف و غیر مرتبط مطالعه کرده و به قله رفیع علمی آن زمان دست یافته و سالها و قرن‌ها بعد از خود، عاشقان علم و دانش را از چشمه علوم خود سیراب نموده است.

مجله رازی به مقتضای اسم خود می‌بایست قبل از این و بیش از این به معرفی این عالم بزرگ پرداخته و جنبه‌های گوناگون شخصیت علمی او را مطرح میکرده تا گامی کوچک در جهت شناساندن این شخصیت بزرگ برداشته باشد، اما متأسفانه به دلیل کثرت مطالب و ضرورت طرح مقالات دیگر، تاکنون چنین موفقیتی نداشته است که امیدواریم از این به بعد گامهای اساسی‌تر در این زمینه برداریم. اکنون که پنجم شهریور سالگرد تولد این دانشمند بزرگ فرارسیده و بعنوان روز داروسازی در ایران انتخاب گردیده، از فرصت استفاده

کرده و مختصری به آن می‌پردازیم. در این مقال تصمیم براین است که ابتدا شرح حال مختصری از این دانشمند بزرگ ارائه و سپس اشارتی کوچک به آثار او داشته باشیم تا انشاء... در شماره‌های آینده ابعاد گوناگون شخصیت او را بررسی نمائیم.

ابوبکر محمدبن زکریای رازی که او را به عناوین گوناگون مانند جالینوس عرب، فیلسوف عرب، طبیب مارستانی، طبیب مسلمانان، علامه در علم اوائل خوانده‌اند، در غره شعبان سال ۲۵۱ هجری مطابق با ۸۶۵ میلادی در رازی بدنیا آمد. این شهر که در آن زمان مرکز علم و دانشمندان و بزرگان بود از مفاخر بلاد اسلام به شمار می‌رفت (۱)

از دوران جوانی این دانشمند اطلاع دقیقی در دست نیست. عده‌ای گفته‌اند در این دوران به زرگری مشغول بوده و برخی نوشته‌اند صرافی میکرده است، اما رازی در مورد این دوران از زندگی‌اش می‌گوید به تجربه و آزمایش آکاذیب معزمان بسیار علاقه داشته است (۱) پیشه زرگری و صرافی و علاقه او به عزائم او را به سوی علم کیمیا کشیده است تا با آن بتواند گوهر فلزات را دگرگون سازد. در نتیجه ممارست در این فن و نزدیکی به آتش و بویهای تند، چشم‌های او دچار آفت شده و برای معالجه به چشم پزشک مراجعه میکند. چشم پزشک برای معالجه پانصد دینار از او درخواست نموده که ناچار به پرداخت می‌شود و با خود می‌گوید کیمیای واقعی علم طب است نه آنکه تو بدان مشغولی و پس از آن از علم کیمیا دروی جسته و به علم طب می‌پردازد. (۱)

اکثر مورخان معتقدند رازی تحصیل طب و فلسفه را در سن چهل سالگی آغاز کرده و آنچه باعث رشد و شکوفایی او در این علوم گردیده نبوغ

علم و کوشش فراوان شبانه‌روزی او همراه با نبوغ و استعداد خارق‌العاده‌اش، نقش اساسی در رشد و تعالی او داشته ولی با وجود همه این مطالب باقی ماندن این همه اثر از یک فرد فوق‌العاده بودن او را بیش از پیش به نمایش می‌گذارد.

رازی کتابها و مقالات گوناگونی در زمینه‌های طب، منطق، مافوق‌الطبییه، کیمیا، طبیعیات، ریاضیات و نجوم، فلسفه، الهیات، تفسیر و تلخیص و فنون مختلف داشته که با توجه به تنوع موضوعی و تعدد آنها، چیزی جز عشق و علاقه به کار و استعداد و نبوغ فوق‌العاده دریافت نمی‌گردد. این دانشمند بزرگ درباره کوششهای شبانه‌روزی خود در کتاب السیره - الفلسفیه چنین می‌گوید:

" اما علاقه من به دانش، حرص و اجتهادی را که در اندوختن آن داشته‌ام آنان که معاش من بوده‌اند میدانند و دیده‌اند که چگونه از ایام جوانی تاکنون عمر خود را وقف آن کرده‌ام، تا آنجا که اگر چنین اتفاق می‌افتاد که کتابی را نخوانده و یا دانشمندی را ملاقات نکرده بودم، تا از این کار فراغت نمی‌یافت به امر دیگر نمی‌پرداختم و اگر هم درین مرحله ضرری عظیم در پیش بود تا آن کتاب را نمی‌خواندم و از آن دانشمند استفاده نمی‌کردم از پای نمی‌نشستم. حوصله و جهد من در مطلب دانش تا آن حد بود که در یک فم بخصوص بخط تعویذ (یعنی خط مرقمط و ریز بیش از بیست هزار ورقه چیز نوشته و پانزده سال از عمر خود را شب و روز در تالیف جاه کبیر (حاوی) صرف کرده‌ام، و بر اثر همین کوهه بیناایم را ضعف دست داده و عضله‌دسته گرفتار سستی شده و از خواندن و نوشتن محروم ساخته‌است، با این حال از طلب باز نمانده

و پشتکارش بوده است. یکی از همشهریان رازی نقل می‌کند که او هیچوقت کاغذ و قلم از دستش نمی‌افتاد و از فرط علم دوستی به گونه‌ای مطالعه میکرد که اگر خواب او را فراگرفت کتاب بیفتد و او بیدار شود و به مطالعه ادامه دهد. (۱) بغداد در زمان رازی مرکز علم و دانش و دانشگاههای پزشکی بود. در آنجا مترجمان زبردست، آثار علمی یونانی را به سریانی و عربی ترجمه کرده و بدین جهت منابع علمی زیادی در دسترس محققین قرار میگرفت. رازی برای استفاده از این موقعیت و کسب علوم پزشکی و فلسفی عازم بغداد شد. (۱)

در بغداد ریاست بیمارستان معتضدی را به عهده گرفت و پس از آنکه به اوج علمی خود دست یافت و شهرتش جهانگیر شد برای مدتی به زادگاه خود، ری مراجعت نمود و تصدی بیمارستانی را در آنجا به عهده گرفت. رازی در ری دانشجویان فراوانی داشته که از محضر او استفاده میبردند. رازی در پایان عمر به بیماری (کاتاراکت) مبتلا گشته و حاضر به معالجه نمی‌شود و بالاخره در پنجم شعبان سال ۳۱۳ در شهر ری در سن ۶۲ سالگی (به سال قمری) و ۶۰ سالگی (به سال شمسی) از دنیا می‌رود. (۱) آثار و تالیفات بجایمانده از رازی به قدری متعدد و متنوع است که انسان را شگفت‌زده می‌کند زیرا این همه اثر در موضوعات گوناگون از عمر طبیعی یک انسان بسیار بسیار بیشتر است، خصوصا " که در مورد رازی گفته می‌شود کارهای اساسی را از سن ۴۰ سالگی به بعد شروع کرده است. نتیجه اینکه چند صد کتاب در موضوعات مختلف در حدود ۲۲ سال نوشته شده که این به معجزه بیشتر شباهت دارد تا یک مسئله طبیعی. آنچه مسلم است عشق و علاقه رازی به تحصیل

و پیوسته بیماری این و آن می‌خوانم و بردست ایشان می‌نویسم. (۱)

دانشمندان مختلف تعداد آثار و تالیفات رازی را مختلف نقل کرده‌اند. ابوریحان بیرونی متوفی به سال ۴۴۰ هجری تالیفات رازی را به صورت زیر تقسیم بندی موضوعی نموده است:

۵۶ کتاب در طب، ۳۳ کتاب در طبیعیات، ۷ کتاب در منطق، ۱۰ کتاب در ریاضیات و نجوم، ۷ کتاب در تفسیر و تلخیص و اختصار کتب فلسفی یا طبی دیگران، ۱۷ کتاب در علوم فلسفی و تخمینی، ۶ کتاب در مافوق - الطبیعه، ۴ کتاب در الهیات، ۲۲ کتاب در کیمیا، ۲ کتاب در کفریات و ۱۰ کتاب در فنون مختلفه. مجموع این کتابها یکصد و هشتاد و چهار می‌شود. (۱)

ماخذ دیگر کتابهای رازی "عیون الانباء فی طبقات الاطباء" ابن ابی اصیبه از پزشکان قرن هفتم است که او ۲۳۸ کتاب برای رازی نقل می‌کند. (۱)

آقای دکتر محمود نجم‌آبادی که تحقیقات زیادی در آثار رازی دارد، تعداد کتابهای این دانشمند را ۲۷۱ جلد می‌داند. با توجه به تعدد کتابهای مکتوب توسط رازی که حتی ذکر نامهای آنها در این مقال میسر نیست، با اشاره به نام معروفترین کتب رازی در علم طب، خوانندگان عزیز را در این مورد به کتاب با ارزش فیلسوف

(۱) گتبی که جهت تهیه مطلب فوق مورد استفاده قرار گرفته به شرح زیر است:

الف: محمد بن زکریای رازی فیلسوف ری تألیف دکتر مهدی محقق

ب: من لایحضره الطیب تألیف ابوبکر محمد - بن زکریای رازی ترجمه دکتر ابوتراب تغیسی

ری تألیف دکتر مهدی محقق ارجاع میدهم. معروفترین کتب رازی در طب عبارتند از: الحاوی، المنصوری، المرشد، الطب الملوکي، من لایحضره الطیب، الجدری و الحصبه (آبله و سرخک)، برء الساعه و

مطلب جالب توجه اینکه فقیه بزرگ شیعه شیخ - صدوق نام کتاب معروف خود بنام (من لایحضره الفقیه) را از نام کتاب "من لایحضره الطیب" اقتباس نموده است. (۱)

در پایان قسمتی از پیشگفتار چاپ سوم کتاب فیلسوف ری را به عنوان حسن ختام آورده و آرزو می‌کنیم شخصیتهایی چون این دانشمند بزرگ، همیشه الگوی علمی ما بوده و همکاران در تمام زمینه‌ها از او تبعیت نمایند.

"کتاب حاضر نشان دهنده نبوغ فکری و وسعت دانش مردی است که از همین سرزمین ما برخاسته و در نتیجه همت عالی و کوشش فراوان به علوم زمان خود مسلط گشته و چند صد اثر ارزنده از خود به یادگار گذاشته است. ارزش و اعتبار آثار علمی او چنان بوده که حدود پنج قرن در دانشگاهها و مراکز علمی اروپا تدریس می‌شده و هنوز هم در تحقیقات علمی به نظرهای ارزشمند او ارجاع داده می‌شود، و این مایه تأسف است که ما نه تنها ادامه مسیر علمی این‌گونه دانشمندان را از دست دادیم بلکه هنوز هم برای شناسایی آنان باید از کوشش دیگران یاری بگیریم. امیدواریم که این کتاب نمونه‌ای باشد که دانشجویان گرامی کشور ما به همین روش و اسلوب به تحقیق شرح احوال و افکار و آثار دانشمندان گذشته بپردازند و آنان را از زوایای خمول و گمنامی بیرون آورند."

دکتر سید محمد صدر